

پاسخگویی به شبهات کتاب بازگشت به اسلام

امروزه دین مبین اسلام بخصوص مذهب تشیع تحت فشارهای مختلفی از سوی جریان‌های مختلف سیاسی، فرقه‌های منحرف دینی و فکری و عواملی از این قبیل قرار دارد. استکبار جهانی نیز که در پی ایجاد شکاف در بین آحاد مسلمان و در نتیجه اسلام‌گریزی است، با حمایت از عوامل منحرف و افرادی که به این جریان‌ها دامن می‌زنند نقش اساسی در این بین دارد.



امروزه دین مبین اسلام بخصوص مذهب تشیع تحت فشارهای مختلفی از سوی جریان‌های مختلف سیاسی، فرقه‌های منحرف دینی و فکری و عواملی از این قبیل قرار دارد. استکبار جهانی نیز که در پی ایجاد شکاف در بین آحاد مسلمان و در نتیجه اسلام‌گریزی است، با حمایت از عوامل منحرف و افرادی که به این جریان‌ها دامن می‌زنند نقش اساسی در این بین دارد.

هدف از این کار خدشه‌دار کردن چهره واقعی اسلام ناب محمدی(ص) بخصوص مذهب شیعه و وارد کردن شبهاتی است که موجب ایجاد تشنج و شک و تردید در بین افراد جامعه علی‌الخصوص جوانان می‌گردد و بدنبال آن معرفی اسلام به سبک و سیاقی که خودشان ترسیم کرده‌اند.

نمونه‌ای از این انحرافات و شبهات چاپ و نشر کتابی تحت عنوان بازگشت به اسلام به نگارش منصور هاشمی خراسانی است که در ظاهر می‌خواهد اسلام اصیل را به همه‌ی جوامع در سراسر جهان بشناساند. اما با اندکی تأمل در نوشته‌های کتاب فوق می‌توان دست‌های پشت پرده‌ی دشمن را که قصد تخریب وجهه‌ی واقعی اسلام و ترسیم دوباره‌ی آن بصورت نادرست و اشتباه را دارد مشاهده نمود.

ضرورت نگارش این مقاله آگاهی امت اسلامی بخصوص مذهب تشیع و مسئولین ذریب‌ط از نظریات منحرف نگارنده کتاب و هوشیاری بیشتر و جلوگیری از انتشار کتابهایی ازین قبیل است. در این مقاله سعی شده است کتاب بازگشت به اسلام بطور اختصار از ابعاد کلامی، اصولی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و زوایای تاریک و پنهان آن بر مخاطبان روشن گردد.

1- جنبه، سبب،

1-1) آنگونه که روشن است نام و نشان نویسنده‌ی کتاب جعلی بوده و فرد یا افرادی تحت پوشش این نام جعلی سعی در انتشار افکار غلط و انحرافی خود می‌باشند.

2-1) کتاب فوق فاقد مجوز نشر از وزارت ارشاد اسلامی و همچنین فاقد شابک که از علائم انتشار قانونی کتاب در کشور ما هستند، می‌باشد و با توجه به اینکه محل چاپ کتاب منطقه‌ی بدخشان- پامیر واقع در کشور افغانستان ذکر گردیده، در این بین دو مطلب قابل تأمل است: اگر این کتاب و اتحاد در کشور افغانستان به چاپ رسیده و در شهرهای مختلف ایران به سهولت پخش گردیده است پس نقش نهادهای امنیتی و انتظامی در شناسایی و کنترل عوامل پخش در داخل کشور بسیار مهم و مؤثر است.

و اگر این کتاب در داخل ایران منتشر گردیده است پس نقش دستگاه‌های نظارتی نیز در نظارت و کنترل بر امر نشر کتاب مهم و قابل تأمل است.

اگرچه هیچ اقدام اساسی جهت جلوگیری از انتشار این کتاب از طرف نهادهای ذکر شده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت نگرفته است و این کتاب بسهولت بدست مردم می‌رسد.

در ضمن علاوه بر کتاب، نویسنده دارای سایت اینترنتی اختصاصی می‌باشد که در آن سایت به کار توهین به مقدسات اسلامی پرداخته و به آسانی نظریات منحرف خود را آشکار و صریح در فضای مجازی منتشر می‌کند، که لازم است مورد توجه مسئولین امنی، امر قرار گیرد و اقدامات لازم جهت انسداد این سایت بعمل آید.

1-3) در قسمتی از کتاب، نویسنده علت اشغال کشور افغانستان را وجود تعصبات قومی و مذهبی در سایه تنوع اقوام و مذاهب مختلف ذکر کرده و دخالت کشورهای بیگانه و مداخله‌گر که با ورود خود به آن کشور اسلامی قصد تشدید این اختلافات را دارند نادیده گرفته شده است.

2- جنبه‌ی کلامی:

2-1) با مطالعه احادیث معتبر شیعی آشکار می‌شود در زمان غیبت و قریب بظهور حضرت مهدی (عج) شخصی هاشمی نسب با نام سید خراسانی از سرزمین خراسان جهت یاری رساندن به آن حضرت قیام خواهد کرد. در این کتاب نیز نویسنده با فرصت طلبی نام خود را منصور هاشمی خراسانی بیان کرده است که با مطالعه‌ی مطالب موجود در کتاب روشن می‌شود که نویسنده درصدد معرفی خود به همان سید خراسانی که در احادیث وعده‌ی آن داده شده است می‌باشد، اگرچه در هیچ جایی از کتاب صراحتاً به این مطلب اشاره ننموده است.

2-2) در بخشی از کتاب در مورد مباحث تقلید و ولایت فقیه که از مسائل مهم مذهب شیعه می‌باشد سخن به میان آمده‌اند و با بیان مطالبی پوچ و بی‌اساس مبحث فوق را (تقلید و ولایت فقیه) زیر سوال برده است. نویسنده معتقد است بر هر فرد مسلمانی لازم است که در امورات احکام عملی خود مجتهد بوده و به رای خود عمل کند و نیز ولایت فقیه را که اساس نظام اسلامی شیعه می‌باشد ناممکن می‌شمارد. در حالیکه فقها و اصولیون ما (تشیع) با دلایل مستدل لزوم وجوب تقلید و همچنین وجود ولی فقیه را اثبات کرده‌اند که در بخش بعدی بحث خواهد شد.

2-3) نویسنده در بخش دیگری از کتاب خود را اینگونه معرفی می‌کند: من بطور حتم یک شیعه یا یک سنی به معنای مصلح نیستم ولی نمونه‌ای از یک مسلمان حق گرایم که بسوی اسلام دعوت می‌کنم و در این زمینه به ابراهیم (ع) اقدام می‌ورزم و آیه 5 سوره آل عمران را برای گفته‌های خود

دلیل می‌آورد که در آن آیه شریف بیان نشده «ابراهیم نه یهودی و نه مسیحی بود ولی حق گرای مسلمان بود و از مشرکان نبود» و در ادامه از حاکمیت ظالمانه در کشورهای اسلامی بخصوص کشورهای عراق، ایران و سوریه سخن به میان می‌آورد.

نویسنده قصد دارد مشرکان یاد شده در آیه شریفه را به مسلمانان اهل سنت و شیعه تعلیم داده و متمسکین به این مذاهب را مشرک بنامد در حالی که هیچ ادله معتبری را جهت اثبات سخن خود بیان نکرده و فقط می‌خواهد با این راه دشمنی خود با مذاهب مختلف اسلامی، ام از شیعه و سنی را ثابت کند.

3- جنبه اصولی

پاسخگویی جزء به جزء به این کتاب که استدلال‌های غلط و بی‌اساس در آن کم نیست، زمان زیاد و مطالعات تفصیلی در این زمینه را می‌طلبد. بدین جهت جواب‌های کلی و

مستدل جهت رد این کتاب بیان می‌گردد تا با این راه بتوانیم نیت شوم نویسندۀ یا نویسندگان از نگارش این کتاب که بدون شك ایجاد شکاف و تفرقه بین آحاد جامعه اسلامی است را بر ملا کنیم.

دلایل مختلفی برای مشروعیت ولایت فقیه وجود دارد. از آن جمله می‌توانیم به قرآن ، احادیث و روایات ، استقرا ، برهان منطقی و علم کلام اشاره کرد.

3-1) پاسخ به شبهات وارد شده بر ولایت فقیه:

1-1-3) استناد به قرآن: خداوند در آیه 80 سوره نساء می‌فرماید «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم...حاکمیت خدا و رسول و اولامر را بدون هیچ قید و شرطی لازم می‌داند. با توجه به آیه ، قرآن درصدد حل نزاع‌ها ، مؤمنان را از ارجاع به غیر باز می‌دارد و دستور می‌دهد مشکل نزاع را که ریشه برانداز است با ارجاع به کتاب و رسول او برطرف کنند از این رو باید کسانی درصدد امور

و حل نزاع‌ها قرار گیرند که نه تنها به کتاب خدا و سنت رسول از دیگران آگاهتر بوده بلکه فهم‌شان از قرآن و سنت معصومانه‌تر باشد.

2-1-3) روایات: اغلب فقهای عظام که قائل به حجیت ولایت فقیه هستند با استناد به روایاتی که از نظر متن و سند صحیح می‌باشند به لزوم وجود ولایت فقیه معتقدند احادیث و روایات متعددی که پیرامون اصل ولایت و حکومت اسلامی وارد شده است قابل توجه و اهمیت است. تام‌الدلاله و السنه بودن احادیث که فقها به آنها استناد نموده‌اند و حجیت ولایت را از آن احادیث استخراج نموده اند آنچنان از درجه اعتبار برخوردار هستند که برای حجت بودن کافی می باشند.

مقبوله عمر بن حنظله- توقیع شریف صادره از سوی امام عصر(ع)- مرسله‌ی شیخ صدوق از زبان پیامبر(ص)- روایت مشهوره ابن خدیجه- صحیحۀ قذاح از حضرت صادق (ع) روایت علی بن ابی حمزه بطنانی از امام کاظم (ع) و روایاتی از ابن قبیل در تأیید و لزوم وجود ولایت فقیه در صدر جامعه‌ی اسلامی وارد گردیده است.

3-1-3) استقراء: اسلام دینی است منسجم که تمامی اجزای آن با هم مرتبط‌اند. احکام و دستورات با ارتباط و پیوند موجود، حکومت و دولتی مستقل و نیرومند را تشکیل می‌دهد. مسئولیت این اجتماع و حکومت و ولایت و سرپرستی آن به عهده فقیه است بعنوان ولی امر مسلمین و رهبر و آنان که عهده‌دار حفظ استقلال، وحدت، عزت و عظمت و حاکمیت آنان، است.

مراجعه به متون فقهی رساله‌های عملیه مراجع عظام نیز جهت اثبات این واقعیت کافی است. برای نمونه فقط یکی از کتاب‌های فتوایی به نام منهاج الصالحین (جلد 2و1) مطابق فتاوی مرحوم آیت‌الله خویی (فره) از باب تقلید و طهارت تا مباحث ارث، حدود یک صد مورد را نام برده است که زمام امر آنها با زمامدار اسلام (حاکم شرع) است و چنانچه ابواب

دیات مانند حدود و دیات و قصاص و تعزیرات و باب القضاء را نیز که اصولاً از اختیارات حاکم و حکومت اسلامی است به موارد اشاره شده بیفزاییم جای هیچ‌گونه تردید در ولایت مطلقه فقیه باقی نخواهد ماند.

4-1-3) برهان منطقی: در جامعه اسلامی مسائلی وجود دارد که مطلقاً از وظایف افراد خارج بوده زیرا جز امور عمومی و اجتماعی هستند که حفظ نظام منوط به آنهاست مانند قضاوت، سرپرستی اموال غائبان و نابالغان، حفظ انتظامات داخلی کشور، حفظ مرزها، زمان جهاد و دفاع.

دین اسلام تنها در عبادت‌های شرعی و احکام آن مقید نمی‌شود و سیاست و کشورداری و پاسداری از مجتمع اسلامی هیچ‌گاه در اسلام جدای از امور روحانی و شئون اسلامی نبوده بلکه زمام این امور را شخص پیامبر(ص) و علی(ع) خود بدست داشته و اداره می‌نمودند و یا به وسیله نایبان و نمایندگان خود که به بلاد اسلامی اعزام می‌فرمودند اداره می گردید.

از اعتقادات مذهبی ما شیعیان آن است که پیامبر اسلام و ائمه اطهار امت را پس از دوران نبوت و امامت بی‌سرپرست و زمامدار رها نکرده و حتی برای مسائل جزئی و فردی آنان نیز افرادی را از بزرگان اصحاب خود تعیین فرموده‌اند تا مردم به دنبال آن افراد بوده و در عصر معصوم و در موارد عدم دسترسی مستقیم به ایشان به آن نمایندگان رجوع نمایند تا چه رسد برای زمان بعد خود نماینده‌ای وجود نداشته باشد (عصر غیبت) پس از توجه تام و کامل به این مقدمات، افرادی که از طریق امامان معصوم شیعه برای مراجعه مردم به آنان در عصر غیبت تعیین شده‌اند، تنها فقیهان عادل جامع‌الشرایط هستند، زیرا باید گفت یا امامان فرد یا افرادی را منصوب نفرموده‌اند که این نکته به شهادت عقل و نقل و تاریخ مردود است و یا افراد غیر فقیه را منصوب کرده که این را نیز هیچ کس نگفته و نپنداشته است و یا فقها را منصوب نموده است که این مطلوب و مقبول واقع می‌گردد. زیرا باند کسانی، در صدر امور قرار گیرند که آگاه، فقیه، و اجتماعی، و سیاسی، کاما، از زمان، خود را داشته باشند.

5-1-3) از طریق علم کلام: تقریر بحث این گونه است که ملاحظه می‌شود همان تعریفی که متکلمان اسلام برای مقام امامت عامیانه بیان می‌کنند و همان دلیلی که به آن اقامه می‌فرمایند (قاعدۀ لطف) عیناً به ولایت فقیه در دوره عدم حضور امام منطبق است، به گونه‌ای که همان سان که با توجه به خاتمیت اسلام و بقای ابدی آن، صامت بودن قرآن نیازمند وجود امام معصوم هستیم، یا همان استدلال در عصر غیبت امام دوازدهم نیز نیازمند افرادی هستیم که جامعه اسلامی را از انحراف و گناه بازداشته و از هلاکت و زبونی حفظ نموده و به سمت اطاعت از خدا و قرب به وی و کسب عزت و شرف و استقلال ، رهبری نماید و این استدلال به اندازه‌ای دارای استحکام است که خواهیم دید اگر نپذیریم ب،گما، ولایت تشریعی، ائمه اطهار، را هم بدرفته‌ایم هر چند به زبان هم دم از آن بزنیم.

2-3) باسحکوب، به شبهات وارد بر حجت خبر واحد :

از مسایلی که باز در این کتاب زیر سوال رفته است ، حجیت خبر واحد می باشد که در علم اصول فقه به طرق مختلف به اثبات رسیده است از جمله ادله ای که اصولیون شیعه جهت اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک جسته اند : قرآن خود خبر واحد و دلیل عقلی می باشد.

حجت روش، شدن، مساله این، دلائل، را نه اختصار ساز، می، نامیم.

1-2-3) حجیت خبر واحد از قران : آیات متعددی مانند آیه نبا (سوره حجرات آیه 6) و آیه نفر (سوره توبه آیه 123) و آیه حرمت کتمان (سوره بقره آیه 159) .

آیه نبا نشانگر آن است که شان خبر چنین است که مردم آن را تصدیق کرده و به آن عمل کنند پس خداوند خواسته است توجه مومنان را جلب کند به این که شایسته نیست به هر خبری و از هر منبعی که باشد اعتماد کنند بلکه اگر شخص فاسق خبر آورد شایسته است که بدون بررسی و تامل به آن عمل نشود و وجوب بررسی در این مورد فقط به خاطر آن است که مبدا با یک قومی از روی حمایت برخورد کنند یعنی کاری انجام دهند که از روی سفاقت و عدم حکمت بوده و چه بسا به آن قوم زیان می رساند. بنابراین آیه با مفهوم خود دلالت می کند بر اینکه از خبر شخص عادل راست بودن انتظار می رود و در مورد آن احتیاط و بررسی از اینکه مبدا با یک قومی از روی حمایت برخورد شود لازم نیست و لازمه این امر آن است که خبر شخص عادل حجت است.

آه شریفه نمونه ای، از آبات مطرح شده فوق، درای، اثبات حجت خبر واحد می، باشد.

2-2-3) دلیل عقلی : بهترین دلیل برای اثبات حجیت خبر واحد بنای عقلاست که نیاز به چند مقدمه دارد.

الف:) نسبت به قبول خبر واحد بین عقلا اتفاق نظر وجود دارد.

ب:) این بنای عقلا کاشف از این است که شارع مقدس نیز با نظر آنها موافق است.

ج:) پس بنابراین هر چیزی که سیره عقلا باشد شارع نیز از آن تبعیت خواهد کرد.

نتیجه این، می، شود که شارع مقدس، نیز همچون، عقلا نظر به مشروعیت خبر واحد دارد.

3-2-3) خود خبر واحد : دلیل بعدی برای اثبات حجیت خبر واحد ، خود خبر واحد است . اشکالی که پیش می آید این است که خبر واحد که خود ظنی است پس نمی تواند دلیل برای حجیت خبر واحد دیگر باشد اگر با خبر متواتر می توانستیم حجیت آن را ثابت کنیم قابل قبول بود.

ولی مرحوم نایینی و علامه مظفر در جواب این اشکال می فرمایند : ما با اشکال می خواهیم دلیل حجیت خبر واحد را ثابت کنیم.

الف:) گفته شده است خبر واحدی را بگیری که راوی آن عادل و اصدق و ... باشد

ب:) در بسیاری موارد امام (ع) مردم را به یاران، خود که از آنها اسم می برد ارجاع می، داد.

ج:) طایفه سوم روایاتی است که دلالت می کند در زمان غیبت واجب است که اشخاص با ویژگیهای مخصوصی که امام تایید می کند مراجعه کرد.

د:) اخبار متواتری وجود دارد که حفظ چهل سخن از معصوم را سفارش کرده است . لازمه حفظ و انتشار اینها پذیرش از طرف شنونده می باشد.

ه:) تعداد کثیری از روایات است که دروغگویان حدیث و ساختگی را مذمت کرده و این حکم نشانه آن است که چون خبر واحد راست ارزش دارد پس خبر واحد دروغ ساخته می شود .

از مجموعه این اخبار لااقل تواتر معنوی حاصل می شود که خبر واحد عادل حجت است.

البته خبری که از طرف شخص مورد وثوق وارد شده باشد.

3-3) پاسخگویی بر شبهات وارده بر تقلید :

در کتاب بازگشت به اسلام مباحثی نیز در خصوص رد تقلید از مجتهدان بیان شده است که حقیقتاً جز مسائل سطحی و برداشت ناصحیح از قرآن مطلب خاصی در بر ندارد. ما معتقدیم که در زمان غیبت امام عصر (عج) اجتهاد در مسائل احکام عملی بر هر مسلمانی واجب کفایی است. ولی اگر یک یا چند نفر از میان مسلمانان قیام کنند و مقام اجتهاد را کسب نمایند ، این وجوب از گردن دیگر مسلمین برداشته شده و بقیه مردم به وجود همین چند نفر اکتفا می کنند و در فروعیات دین اسلام از همین مجتهدین واجد الشرایط تقلید می نمایند.

اصولا تقلید مایه حیات دین اسلام و پویایی قوانین آن است و در پرتو اجتهاد بود که مسلمانان توانستند در طول 14 قرن ، جامعه اسلامی را از قوانین غیر اسلامی بی نیاز سازند.

حال، دلایل، حجیت تقلید را جهت اثبات این امر بزرگ بیان می کنیم:

3-3-1) روایات :

3-3-1-1) روایات متعددی در مورد حجیت تقلید بیان شده است. احادیثی که در آن امامان (ع) شیعیان را به راویان حدیث ارجاع داده اند. مانند توقیع امام عصر (عج).

3-3-1-2) یا روایاتی که در آن معصوم (ع) یاران خود را به فتوا دادن برای مردم ترغیب و یا فتوای آنها را تایید کرده اند.

3-3-2) اجماع : دلیل دیگر جواز تقلید اجماع انکار ناپذیر فقها بر جواز پرسش و یا استفتا در احکام شرعی است بدون آن که دلیل حکم سوال شود.

3-3-3) آیات قرآن مجید دلیل دیگر باری جواز تقلید است . از جمله آیه 7 سوره انبیا که سوال از عالمان و اهل ذکر را بر غیر عالمان لازم دانسته است. همچنین برخی آیه 122 سوره توبه را که بر وجوب سفر برای تفقه در امر دین دلالت دارد دلیل برای جواز تقلید از فقها دانسته اند.

نتیجه گیری

1) : نویسندگان با نشر مطالب و افکار غلط از دین مبین اسلام سعی در ایجاد تشنج و تفرقه در جامعه اسلامی را داشته و با اشکال تراشی واهی در فکر ایجاد شکاف بین مذاهب مختلف اسلامی بخصوص پیروان مذهب تشیع می باشد که این امر خواسته دشمنان اسلام بخصوص صهیونیسم و استکبار جهانی است.

2) : نویسندگان با القای خود به عنوان فردی که بر پا خواسته تا اسلام ناب را پیاده کند قصد فریب افکار امت مسلمان را دارد در حالی که هیچ یک از گفته های او سند قابل قبول نداشته و نا ابر، حال، مدعی خواهد مخاطب با حسرت نیت به نوشته ها، او رساند بشد .

3) : باز نویسندگان با رد مسائل مهم و اساسی جوامع اسلامی ، هیچ راهکار معقول و قابل قبولی را پیش پای مسلمانان قرار نداده و فقط با مطالبی پوچ و بی اساس ، سعی در تخریب عقاید شیعیان را دارد.

4) : متن کتاب آنقدر سبک و سخیف است که هر خواننده ای که اندکی اطلاعات در مورد مسائل دینی خود داشته باشد ، کذب بودن مطالب موجود در آن را متوجه شده و از نقشه ی شوم دشمنان دین و عوامل سبک مغز آنها مطلع خواهد شد.

5) : دلیل انقلاب ملت ایران و جان نثاری شهدای گرانقدر به منظور برپائی حکومت اسلامی بود که از جهات مختلف طبق احکام و قوانین اسلامی اداره شده و در صدر آن ولی فقیه قرار گیرد تا جامعه را از ابعاد مختلف سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ... به هدف اصلی که همان اسلام ناب محمدی (ص) است رهنمون سازد.

ولی نگارنده کتاب نه تنها نافی ولایت فقیه بوده بلکه این اصل را مخالف با اسلام می داند که این حرف نویسندگان نیز ریشه در دشمنی او با اساس جامعه اسلامی ، انقلاب و رهبری کشور ایران دارد.

6) : بر همگان واضح و مبهره است که غنای علمی و تحلیلی فقه شیعه از درجه بسیار بالایی برخوردار است و ما با استناد به دلایلی که حجیت آنها ثابت شده است پاسخهای مستند بر بخشی از شبهات کذب و ناصحیح این کتاب دادیم. البته به حمد الهی مردم آگاه و فهیم کشورمان با درک هدف اصلی انتشار این کتاب که جز گمراهی و ضلالت نیست بصیرت خود را به دشمنان نشان داده و هیچگاه تحت تاثیر اثرات منفی این کتاب قرار نمی گیرند ولی انتظار مردم از مسولین امر چاپ ، نشر و توزیع کتاب ، هوشیاری و نظارت دقیق تر است تا دیگر شاهد چاپ و توزیع کتابهای منحرف اینچنینی نباشیم.

محمد احمدیان هریس

منابع:

1- الحر العاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروتدار الاحیاء، 1418

2- سبحانی، جعفر، راهنمای حقیقت، قم، انتشارات مشعر، 1389

3- غروی تبریزی، علی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، انتشارات دار الهادی المطبوعات، 1384

4- محمد بن مکی، شهید اول، ذکر الشیعه فی الاحکام الشرعیه، قم، موسسه آل البيت (ع)، 1377

5- مظفر، محمدرضا، اصول فقه، قم، انتشارات پیام نو آور، چاپ سوم، 1390

6- مظفر، محمدرضا، ویژگیهای فکری شیعه (عقائد الامامیه)، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، قم، موسسه حضور، 1377